

بررسی علل حاشیه نشینی و راه حل رفع تعارض با اصول شهرسازی

چکیده:

این مقاله ابتدا به مفهوم حاشیه نشینی در ابعاد جهانی پرداخته سپس مروری بر تاریخچه حاشیه نشینی در ایران داشته و همچنین به دلایل بروز حاشیه نشینی و مشکلاتی که ممکن است برای ساکنان این نواحی و دولت‌ها پیش آید، می‌نماید که پس از نتیجه‌گیری از علل بوجود آورنده به ارائه راهکارهای در زمینه رفع این معضل اجتماعی می‌نماید.

واژگان کلیدی:

مهاجرت، زاغه نشینی، حاشیه نشینی، وضعیت اقتصادی، فقر، رشد اقتصادی، جرم.

مقدمه

مناطق شهری به عنوان محیطی مناسب و بستر سازی قوی به منظور ترقی و تعالی کیفیت زندگی و میزان درآمد اکثر انسان‌های فقیر در کشورهای در حال توسعه است. ناگفته پیداست امکان کسب و ابقاء این چنین کامیابی‌ها از یک طرف و عدم وجود امکانات کافی از جانب دیگر باعث افزایش مهاجرت روستاییان به شهر شده است. افزایش روز افزون این روند در سه دهه اخیر مسبب دامن زدن به معضل تهیه مسکن مناسب شده و ناهمگونی بین سطوح درآمد و تخصص کافی افراد پیش گفته نیز موجب گسترش آلونک نشینی شده است و امروزه شاهد سیلی عظیم از مشکلات عدیده برای این سکونت گاه‌ها به دلیل بی توجهی و یا کم توجهی دولت‌ها می‌باشیم.

بررسی مفهوم حاشیه نشینی

در فارسی اصطلاحات متعددی در ارتباط با حاشیه‌نشینی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که عبارتند از: زاغه نشینی، آلونک نشینی، حلبی‌آباد و غیره، که هر کدام مفهوم خاص خود را دارند. در سایر زبان‌ها و فرهنگ‌های جهان نیز اصطلاحات متفاوتی، در این مورد، وجود دارد، مانند: - رانچو (rancho) یا فاوولا (favela) در امریکایلاتین؛ بوستی (bustee) یا کامپونگ (kampong) در آسیا؛ بیدونویل (bidonville) یا شانتی تاون (shanty town) در آفریقا. برخی از محققان، حاشیه‌نشینی را برگرفته از کلمه‌ی slum می‌دانند، و برخی میان حاشیه‌نشینی (squatter housing) و محله‌های فقیرنشین (slums) تفاوت قایل هستند و چنین اظهار می‌دارند: اولی معمولاً ساخت و سازهایی را شامل می‌شود که به طور غیرقانونی، با تخلف از مقررات ساختمانی و یا در زمینی بدون اجازه‌ی صاحب آن، سربرافراشته‌اند و در مقابل، [دومی]... بناهای پایداری هستند که از طریق مجموعه‌ی عواملی مانند سن بنا، مسامحه کاری و متروکه شدن بنا و تقسیم آن به بخش‌های فرعی (که فشار زیادی را بر روی تسهیلات و تجهیزات اساسی بنا تحمیل می‌کند)، در وضعیت زیر استاندارد قرار گرفته‌اند. (دیوید دراکاکیس)

یکی از اصطلاحاتی که در این خصوص به کار برده می‌شود «شانتی تاون» است. فرهنگ جدید جغرافیا درباره‌ی این اصطلاح می‌نویسد: «شانتی تاون به منطقه‌ی مسکونی زیراستاندارد گفته می‌شود، که اغلب به طور غیرقانونی اشغال شده و خاص جهان سوم است. شانتی تاون یا در زمین‌های ناهمواری که در معرض سیل هستند و یا در داخل شهر ایجاد می‌شود...»

تفاوت حاشیه‌نشینی و گتوهای کشورهای پیش‌رفته: اصولاً اصطلاح حاشیه‌نشینی خاص کشورهای در حال توسعه است. کشورهای توسعه یافته دلیل تحولات اجتماعی-اقتصادی متفاوتی که پشت سر گذاشته‌اند، به طور عمده دارای محله‌های فقیرنشین (به عوض حاشیه‌نشین) می‌باشند. این محله‌ها، به لحاظ مکانی، معمولاً در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ قرار دارند، یعنی جایی که در سال‌های پس از انقلاب

صنعتی، به دلیل استقرار کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی، و سکونت کارگران و اقشار کم درآمد در مجاورت آنها، مرغوبیت خود را از دست دادند و به محله‌های کارگری و فقیرنشین تبدیل شدند. این در حالی است که مکان‌گزینی مناطق فقیرنشین، در کشورهای در حال توسعه، اغلب در حاشیه‌ی شهرهای بزرگ صورت گرفته است. آنتونی گیدنز در این باره می‌نویسد: در شهرهای غربی، تازه واردان بیشتر ممکن است در مجاورت قسمت‌های مرکزی شهر سکونت اختیار کنند، اما در کشورهای جهان سوم معمولاً عکس آن اتفاق می‌افتد و مهاجرت در جایی که حاشیه‌ی گندابی (Septic Fring) نواحی شهرینامیده شده است، ساکن می‌شوند. (احمدیان، محمد علی، ۱۳۸۲)

در کشورهای توسعه یافته، حاشیه نشینی از الگوهای خاصی پیروی می‌کند. این الگوها، همچنان که پیتر هاگت (Peter Haggett) خاطر نشان کرده است، «از نظر فضایی با جهان سوم متفاوت و به صورت پدیده‌ی گتو (Ghetto) است. گتوها که معمولاً از اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی تشکیل شده‌اند، وجوه تشابه زیادی با حاشیه نشینان دارند، که مهمترین آنها جذب نشدن در متن شهرهای غربی است». گتوهای شهری در اغلب موارد به وسیله‌ی موانع فیزیکی یا انسانی از بقیه بخش‌های شهری جدا می‌شوند. ناهمواری‌ها، رودها، ایستگاه‌های راه‌آهن، مانداب، گورستان‌ها و فرودگاه‌های قدیمی از آن جمله است.»

بزرگ‌ترین گتوهای جهان، که براساس تفاوت‌های نژادی شکل گرفته است، در محله‌ی هارلم نیویورک قرار دارد و ساکنان آن را سیاهپوستان تشکیل می‌دهند. صرف نظر از گتوها، به طور کلی در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته، شرایط نامساعدی برای اقشار کم‌درآمد وجود دارد که به مرور زمان بر تعداد آنها افزوده می‌شود. جیمز روبینشتاین (James Rubenstein) شرایط نامساعد زندگی در مناطق مرکزی شهرهای امریکا را توصیف نموده است. وی درباره‌ی بی‌خانمان‌های ایالات متحده امریکا می‌نویسد: میلیون‌ها امریکایی شب‌ها در مقابل در خانه‌ها و یا روی شبکه‌های فلزی گرم خیابان‌ها و نیز در ایستگاه‌های اتوبوس و مترو می‌خوابند... دوسوم نوزادان مناطق مرکزی شهرها در ایالات متحده را مادران ازدواج نکرده به دنیا می‌آورند و ۹۰ درصد بچه‌های این مناطق نیز فقط با یکی از والدین خود زندگی می‌کنند... درصد کمی از افراد مستمند به خاطر توانایی برای مراقبت از فرزندان، جدایی از همسر را انتخاب

می‌کنند. اگر شوهری مجدداً به خانه برگردد، ممکن است که همسرش، مزایای امدادی را از دست بدهد و بدین طریق خانواده را از نظر اقتصادی، در وضعیتی بدتر از دوره‌ی جدایی قرار دهد.

بخش مهمی از ساکنان شهرهای بزرگ جهان که در مناطق حاشیه‌ای، زاغه‌ها، گتوها و امثال آنها به سر می‌برند، با شرایط نامساعدی مواجه هستند. گزارشی از سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۸، اعلام نموده است: «در مناطق شهری پرتراکم، هر ساله، ۱۰ میلیون نفر به دلیل اوضاع و شرایط نابسامان زندگی، نظیر مسکن غیراستاندارد و بهداشت نامناسب، جان می‌سپارند.» (احمدیان، محمد علی، ۱۳۸۲)

بررسی تعاریف حاشیه‌نشینی: صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه‌نشینی ارائه کرده‌اند برخی مانند چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه‌نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. (تعریف اقتصادی) «... افرادی که در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته‌اند و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می‌شوند... حاشیه‌نشینان از نظر اجتماعی دارای موقعیتی ضعیف بوده و در طبقه‌ی پایین اجتماع قرار دارند.» (نگرش اجتماعی) خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجر که به تعبیر اسکار لوئیس (Oscar Lewis) در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. «آنان به طور کامل جذب شیوه‌ی جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه‌ی آن به زندگی ادامه می‌دهند.» (نگرش فرهنگی) «سرپناه‌های خلق الساعه برپا شده بر زمین متعلق به دیگران، واقع در حاشیه شهرها...» (نگرش کالبدی) (حاشیه‌نشینی؛ ریشه‌ها و راه حل‌ها ۱۳۸۲)

جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آن‌ها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند

بعضاً حاشیه‌نشینی را استقرار در زمینهای غیرقانونی شهری تعریف می‌کنند که به شهرداریها و وزارت مسکن مربوط می‌شود. و تعبیری که از حاشیه‌نشینی ارائه شده است، ساختمان یا بخشی از شهر که در

آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده می شود.

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهر ها روی می آورند. آن ها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می شوند و به تدریج به کانونهای به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمتهایی از شهر سکنی می گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آن ها غالباً غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند. (رضا مسعودی فر)

حاشیه نشینی فرهنگی به حالتی گفته می شود که افراد علی رغم سکونت در محدوده شهری و بعضاً مرکز شهر با فرهنگ شهروندی آشنا نیستند. شهرنشین به کسی اطلاق می شود که در قلمرو مکانی شهر ساکن است و شهروند کسی است که علاوه بر سکونت در محدوده شهری، تابع هنجارهای شهری هم هست بنابراین در حاشیه نشینی فرهنگی بیشتر شاهد افراد شهرنشین هستیم و نه شهروند به طور مثال در چنین شرایطی است که شاهد پرورش حیواناتی نظیر گاو و گوسفند در محدوده شهری خواهیم بود. (بهروز سپیدنامه)

سیمون چپمن (Simon Chapman) هشت ویژگی برای مناطق حاشیه نشین و موارد مشابه آن، به شرح زیر، برمی شمارد: عموماً غیرقانونی هستند. غالباً خلق الساعه هستند و از مواد و مصالح مختلف ساخته شده اند. معمولاً به وسیله ی خود ساکنان احداث شده اند. فاقد خدمات شهری مانند راه آسفالت، برق و سیستم دفع فاضلاب هستند. توسعه ی آنها بدون برنامه ریزی و اغلب به صورت اتفاقی صورت می گیرد. مکان گزینی آنها اغلب در لبه های شهری، حواشی خطوط آهن و بزرگراه ها و یا زمین های خالی از سکنه ای که در

مجاورت مناطق مرکزی شهرها قرار دارند، صورت می‌گیرد. معمولاً در مناطق نامناسب شهری (مانند: زمین‌های ناهموار، حواشی کارخانجات، در مجاورت زمین‌های رها شده و بلااستفاده) تشکیل می‌شوند. جمعیت متراکم دارند که از خانواده‌های پرجمعیت تشکیل شده است.

آنچه از تعاریف گوناگون برمی‌آید آن است که: حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند، ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و فقدان سرمایه‌ی کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. مکان‌گزینی این قبیل اجتماعات، اغلب، در زمین‌های نامرغوب و یا اراضی حاشیه‌ی شهرها و به صورت غیرقانونی صورت گرفته است. فقر اقتصادی، پایین بودن سطح سواد و بالابودن میزان جرائم و کمبود خدمات زیربنایی و مسکن بی‌دوام و خلق الساعه، از خصوصیات مشترک مناطق حاشیه نشین به شمار می‌رود. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت: مناطق حاشیه نشین، محدوده‌های خاصی از شهرها هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند. (احمدیان، محمد علی، ۱۳۸۲)

تاریخچه حاشیه نشینی

حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد و این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد. و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه‌های تاریخی به وجود آورنده آن و رفتار کالبدی و اجتماعی آن می‌باشد. کشور ایران نیز از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی از کشورها از جمله برزیل، هندوستان، پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست. ولی از حیث قدمت مشابه سایر کشورها می‌باشد. پدیده

حاشیه نشینی در ایران نیز همانند اکثر کشورهای در حال توسعه تا حدود زیادی ریشه در مهاجرت و عوامل دافعه و جاذبه روستایی- شهری دارد. فقدان و کمبود امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق روستایی و شهرهای کوچک فرآیند مهاجرت را تشدید کرد و حاشیه نشینی پدیدار شد و به این ترتیب یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت در ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکل گرفت.

در ایران پیش از آغاز دهه چهل، شهر نشینی رشد کندی داشت و در آستانه دهه چهل حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می کردند. براساس اولین سرشماری شهر تهران در سال ۱۲۴۶ شمسی توسط عبدالغفار نجم الملک که حاکی از سکونت یک دهم سکنه شهر (حدود ۱۷ هزار نفر) در خارج از حصارهای شهر است و پیدایش نخستین اجتماعات آلونک نشین در تهران به سال ۱۳۱۱ مربوط می شود. اما رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین به بعد از کودتای ۲۸ مرداد به خصوص از سال ۱۳۳۵ به این طرف بر می گردد. نخستین اجتماعات حاشیه نشین در جنوب شهر تهران تمرکز یافتند. براین اساس رشد حاشیه نشینی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده است. گسترش تأسیسات شهری و شبکه های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه های شهری گردید و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه های روستایی را تشدید نمود. در یک بررسی گسترده که در سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت مشخص شد، که ۹۱ درصد از سرپرستان خانواده های حاشیه نشین در تهران روستایی بوده اند ۷۲ درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می شدند و ۵۹ درصد خرده مالک بوده اند .

همچنین یافته های پژوهشی مشابه در سال ۱۳۴۵ نشان داد که ۶۲ درصد از حاشیه نشینان تهران کارگر ساده، ۱۲ درصد کارگر نیمه ماهر ۱۴ درصد کارگر ماهر بوده اند. این موارد تا حدودی نشانگر ابعاد حاشیه نشینی در ایران پیش از انقلاب بود، در آن سالها به دلیل اصلاحات ارضی و همچنین عدم کارایی اقتصاد کشاورزی روستاها، موج مهاجرت های گسترده ای به شهرهای بزرگ رخ داد که به نمود یافتن زیست در حاشیه آن ها منجر شد.

با اجرای طرح اصلاحات ارضی در آن دهه و افزایش درآمدهای نفتی در دهه پنجاه ، رشد شهر نشینی

شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت که در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهر نشین کشور به ۶۴ درصد رسید. تهران تا شهریور سال ۱۳۵۹ نزدیک به ۱۰ هزار و ۴۵۰ خانوار و ۴ هزار و ۵۰۰ آلودگی را در خود جای داده بود. بعد از انقلاب اسلامی، علیرغم تحولات ساختاری و اولویت بخشیدن به بخش کشاورزی و توجه بیشتر بر استمرار عواملی نظیر اختلاف سطح دستمزد و امکانات رفاهی بین شهر و روستا، علل دیگری نیز به وجود آمد، که از آن جمله می‌توان تقسیم زمین در نقاط شهری و افزایش سطح آگاهی روستاییان را نام برد. سرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش کشاورزی و ارائه‌ی امکانات خدماتی مانند: راه، آب و برق، خدمات بهداشتی و آموزشی و غیره، اگرچه موجبات دلبستگی بسیاری از روستایی را فراهم نمود، لیکن زمینه‌ی مناسبی نیز برای مهاجرت کسانی که به لحاظ مالی تمکن بیشتری پیدا کرده بودند و یا به سطح بالاتری از سواد و تحصیلات دست یافته بودند، فراهم می‌کرد. در عین حال باید خاطر نشان نمود که علیرغم تحولات صورت گرفته، معهذاً به دلیل کافی نبودن امکانات زیربنایی برای ایجاد اشتغال در نقاط روستایی و سیاست‌های اقتصادی خاصی که از اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ آغاز شد، مهاجرت به شهرها همچنان ادامه یافت، به طوری که رشد جمعیت شهری طی دوره‌ی بیست ساله‌ی پیش از انقلاب (یعنی بین سال‌های ۵۵-۱۳۳۵) با نرخ رشدی معادل ۵ درصد افزایش داشت و این روند طی دوره‌ی بیست ساله‌ی بعد از انقلاب (۷۵-۱۳۵۵) با نرخ معادل ۴/۳ درصد ادامه پیدا کرد. (احمدیان ۱۳۸۳)

قشر عظیمی از این حاشیه نشینان مهاجرین از روستاها یا شهرهای کوچک هستند در پی تهیه زمین جهت احداث مسکن می‌باشند، به لحاظ ارزانی حاشیه و اطراف شهر به این مناطق روی می‌آورند و مناطقی را تشکیل می‌دهند که رفته رفته خود این مناطق خود تبدیل به شهری می‌شود با حاشیه‌های مملو از سکونتگاه‌های غیر رسمی و اسلام شهر تهران که در گذشته شادی شهر نامیده می‌شد نمونه بارز آن است و این چنین، حاشیه نشینی شکل گرفته است.

در مورد خاص تهران پدیده جدیدی طی ۲۷ سال گذشته بروز کرده که تقریباً غیرمتعارف بوده است. و آن افزایش انفجاری جمعیت روستایی استان تهران است، که با نرخ بالایی ۵/۷ درصد رشد داشته و جالب اینک مهاجران به مناطق روستایی استان تهران از شهرها به روستاهای اطراف تهران رانده شده‌اند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود یک پنجم جمعیت منطقه کلانشهری تهران در شهرها و شهرک های حاشیه ای با ساخت و ساز غیر مجاز و غیر متعارف سکونت یافته اند. رئیس کمیسیون فرهنگی - اجتماعی شورای شهر تهران از رشد حاشیه نشینی از ۲ به ۵ درصد - به عنوان مادر معضلات اجتماعی کشور - طی ۱۰ سال آینده خبر داد. وی از وجود بیش از ۵ میلیون حاشیه نشین در کشور بر اساس آخرین آمار سال ۸۴ سخن راند.

چندی قبل مشاور شهردار، با اشاره به رشد ۸۰ برابری جمعیت حریم شهر تهران و احتمال سرازیر شدن ۲۰ درصدی جمعیت پایتخت به سمت حاشیه شهر گفت: این دو موضوع موجب بالا رفتن هزینه های امکانات رفاهی و قرار گرفتن این هزینه ها به عنوان یکی از معضلات اساسی در سطح شهر و در نزد طبقه ضعیف شده است. در حالی که رشد جمعیت تهران ۱/۱ درصد بوده، همین هزینه های بالا باعث شده جمعیت بالایی توانایی رفع نیازهای روزمره را نداشته باشند و در نتیجه با وجود بیش از یک میلیون واحد مسکونی خالی، به سمت حاشیه شهر هجوم برده و جمعیت حاشیه تهران ۸۰ برابر شود.

معضل حریم باعث شده است که شهرداری تهران امکان کمک به حاشیه نشینان را نداشته باشد. در سال ۱۳۸۵ طبق اعلام رسمی شهردار تهران حاشیه نشینان تهران به ۳/۵ میلیون نفر رسیده اند. براساس مطالعات جامعه شناسی، ۶۷ شهر کوچک و بزرگ کشور در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ (بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی) با پدیده حاشیه نشینی مواجه هستند، در این محدوده ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند، تراکم جمعیت مناطق حاشیه نشین به طور متوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است. (افتخاری راد ۸۰)

همچنین مطابق با برآوردهایی که در پژوهش حاشیه نشینی در ایران توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران، صورت پذیرفت، جمعیت حاشیه نشینی در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، مشهد، شیراز، اهواز حدود ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شد که اکنون قطعاً بسیار بیشتر از این رقم است. پرویز کاظمی، وزیر رفاه، در سال ۱۳۸۵ حاشیه نشینان را در کل کشور ۶ میلیون نفر اعلام کرده بود.

در کشور با چند مدل حاشیه نشینی مواجه هستیم. حاشیه نشینی در بخش های مرفه نشین و حاشیه نشینی در بخش های فقیر نشین. حاشیه نشینی حاصل از سرریز جمعیت روستایی متمرکز شده در حواشی شهر در استان هایی نظیر تهران و نیز حاشیه نشینی غیرطبیعی حاصل از حوادث مثل زلزله در بم و حاصل از دوران جنگ تحمیلی مثل خوزستان.

حاشیه نشینی اکثرا خارج از حریم شهرهاست ولی در جایی مثل ایلام به درون حریم شهر سرایت کرده است. این مسئله در جاهایی مانند شوشتر به قدری حاد است که مهم ترین معضل اجتماعی شهر به حساب آمده است.

دو مدل دیگر، شهرک هایی است که جمعیت لبریز شهر بمناسبت های صنفی، صنعتی، تعاونی و ... در آن گرد آمده و بصورت اسکان رسمی و با ملاک های شهر سازی بوجود آمده و ساکنین آن نیز شهروندانی Citizens هستند که وضعیت تثبیت شده ای از نظر اشتغال دارند این شهرک ها جزء لاینفک تهران بزرگ محسوب می شوند. و حالت دوم آن محل هایی است که بصورت اسکان غیررسمی بوده و ترکیب جمعیت آن را اغلب مهاجرین روستایی گروه های غربت، کولی ها، دلالها و گروه های آسیب زا به حالت آلودگی نشین و خانه های موقت با پوشش ساختمانی نامناسب (حصیر- حلبی و خشت و گل ...) و بهره گیری غیر بهینه عرصه های ساختمانی تشکیل می دهد (مثنوی، عطاء الله)

در ثروتمندترین کشور جهان یعنی ایالات متحده طبق آمار رسمی دولتی بیش از ۳۵ میلیون فقیر داریم که ۲۷ میلیون آن آلودگی نشین شهری هستند. براساس مطالعات سازمان ملل «حاشیه نشینی و آلودگی نشینی چالش اصلی هزاره سوم خواهد بود» در سال ۲۰۰۱ از ۹۲۰ میلیون جمعیت حاشیه نشین شهری جهان ۴۵ میلیون آن (یعنی ۶ درصد) در کشورهای توسعه یافته قرار دارند و ۸۶۰ میلیون دیگر یعنی ۴۳ درصد جمعیت شهری در آلودگی های کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. همین درصد برای کشورهای غرب

آسیا که شامل ایران نیز می شود ۳۵ درصد جمعیت شهری ذکر شده است.

در ۲۰۲۰ رقم کل حاشیه نشینان شهری جهان تقریباً به ۱۴۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. میزان افزایش کشورهای صنعتی ثروتمند در این مدت حدود پنج میلیون نفر و حجم جمعیت آلونک نشین جهان در حال توسعه به رقم ۱۳۵۵ میلیون نفر خواهد رسید، که از این مقدار حدود ۷۵ میلیون نفر از آن کشورهای غرب آسیاست.

گزارش سازمان ملل تاکید می کند که این یک مقوله جمعیت شناسی شهری نیست بلکه پدیده ای

اقتصادی- اجتماعی است و در برنامه های توسعه به عنوان هدف اولی باید بدان نگرست».

زاغه نشینی و حاشیه نشینی نه تنها اجتناب ناپذیرند، بلکه نشانه ی موفقیت یک شهر محسوب می گردند.

شکل گیری زاغه ها و حاشیه نشینی، بخش ضروری مرحله ی رشد و توسعه ی یک شهر است. فقط در

شهرهای ساکن و ایستا، وضعیت و موقعیت بخش های تشکیل دهنده ی آنها، بدون تغییر باقی می ماند. زیرا

همان طور که مناطق زاغه ای و مناطق حاشیه برای حفظ بقای خود به شهرها احتیاج دارند، شهرها نیز برای

رشد و توسعه ی خود به زاغه ها و حاشیه نشینی نیاز دارند. این مناطق فقیرنشین شهری، مکانی ارزان برای

خانواده هایی که نمی توانند هزینه ای برای احداث منزل و خانه سازی پرداخت کنند، فراهم می آورند. این

مناطق در مراحل انتقال می توانند شرایط را برای مهاجران به شهر مساعد و تسهیل نمایند تا آنها بتوانند به

عنوان یک شهروند جای خود را در جامعه ی شهری پیدا کنند (هادیزاده، مریم)

دلایل بروز حاشیه نشین

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه نشینی علل مختلفی می تواند موثر باشد از جمله :

۱- کمی در آمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها و

همچنین تفاوت قیمت تمام شده مسکن غیر رسمی با مسکن رسمی. حسب اعلام مرکز مطالعات و تحقیقات

شهر سازی و معماری در سال ۱۳۷۳ در مجموع قیمت تمام شده مسکن ساخته شده بصورت غیر رسمی

حدود ۱/۶ مسکن رسمی با ابعاد مشابه می باشد .

وقتی هزینه‌های تمام شده زندگی مردم به گونه‌ای باشد که دیگر نتوانند در شهر زندگی کنند برای ادامه زندگی مجبور می‌شوند به حاشیه‌های شهر بروند. معمولاً حاشیه نشینان جزو تهی دستان جامعه هستند. به دلیل گرانی غیرمتعارف زمین شهری در کلانشهرهای ایران و بخصوص تهران (معادل هفت برابر حقوق ماهیانه بیجه (قاتل مخوف پاکدشت) برای یک متر مربع زمین) هیچ راهی جز ظهور قارچ گونه و شتابان حاشیه نشینی شهری باقی نمی ماند. در حالی که بخش قابل توجهی از تهی دستان روستانشین عادی هستند و کمتر با مسئله گرانی زمین شهری مشکل دارند.

۲- دافعه های مبدا (مثل بی چیزی ، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنین آن از زادگاههای خویش و سرازیر شدن آنها بسوی شهر ها می شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانونهای حاشیه نشینی می شود.

۳- دوری از روند بوروکراتیک : پدیده دیسنتریسیم به خاطر فرار از روند بروکراتیک زندگی شهری یکی از پدیده هایی است که بر عکس مهاجرت در حال انجام است. به ویژه مسئله فرار از تهران امروزه به یکی از مسائل اجتماعی ما بدل شده است. یکی از عوامل که هم به فرار از روند بروکراتیک و هم به خاطر مشکل مالی و قیمت بالای ساخت زمین و مسکن در حال رخ دادن است تمایل به ساخت دراز مدت مسکن می باشد.

۴- قطعه بندیهای بزرگ زمین که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم در آمد و کم بضاعت گرفته می شود و به ناچار به مناطق حاشیه نشینی پناه می برند.

۵- فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها بصورت مناسب منطقه بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و ساز های غیر مجاز فراهم شده و محلات زاغه نشینی بوجود خواهد آمد. همچنین چنانچه زمین های مناسب برای خانه سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقیر نشین شکل بگیرند.

موردی که از لحاظ جامعه شناختی و اصول شهرسازی فوق العاده حائز اهمیت است روند همسان شدن

کمیت و کیفیت شهرهای ایران با حاشیه‌های خود است، چه آنکه با استمرار روند فعلی تا چند سال آینده جمعیت حاشیه‌های هر کلان شهر اختلاف اندکی با جمعیت کلان شهرها پیدا نمی‌کند. هم اکنون ۳۴ درصد از جمعیت حاشیه نشین کل کشور در حاشیه کلان شهرها استقرار یافته‌اند که روز به روز بر تعداد آنها اضافه می‌شود، عدم پویایی مدیریت شهری در کلان شهرهای ایران نیز مزید بر علت شده تا حاشیه شهرها همانند متن شهر ارتقای عمرانی پیدا نکنند. به همین دلیل هم اکنون از لحاظ عمرانی بعضی از نقاط کلان شهرها هیچ فرقی با حاشیه خود ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز، افزایش روز افزون جمعیت حاشیه نشین باعث می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور حاشیه و متن از هر لحاظ برابر شوند!

www.noandishaan.com

۶- مهاجرت، از عوامل موثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می‌باشد (تاثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرم، ۱۳۸۳)

۷- در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تاثیر عملکرد ادارات و دستگاههای دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.

برخی از اراضی داخل یا خارج شهرها متعلق به سازمانها و ادارات دولتی و عمومی از جمله شهرداریها، سازمان مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی می‌باشد. شناسایی حدود اربعه آن و حفاظت از آن حائز اهمیت است در پاره‌ای موارد در پرونده‌های مطرحه در دادگاهها مشاهده می‌شود که اراضی دولتی مورد تصرف و تعرض افرادی سودجو واقع شده و حتی به کرات و بصورت متعدد مورد خرید و فروش واقع شده و همچنین در مواقعی مورد ساخت و ساز قرار گرفته ولی ادارات یا نهادهای یاد شده اطلاعی از چنین اقداماتی حاصل نمی‌نمایند. و به تبع آن در تعقیب عامل یا عاملین جرم بر نمی‌آیند و یا مواقعی اقدام می‌نمایند که اراضی آنها طی ایادی متعددی منتقل شده و در زمان طرح شکایت به لحاظ پیچیدگی موضوع و نقل و انتقالات متعدد و سپری شدن مدت طولانی از زمان تصرفات اراضی دولتی رسیدگی قضایی مستلزم صبر و حوصله و دقت بیشتر و زمان نسبتاً طولانی می‌باشد. و چه بسا این تصرفات و تعارضات به اراضی دولتی موجب تجزیه آن و رواج ساخت و سازهای غیر مجاز و نتیجتاً شکل‌گیری حاشیه‌نشینی می‌شود.

در کل می توان نظریات در مورد علل حاشیه نشینی را به دو گروه تقسیم کرد:

الف) کارگردگراها و لیبرالها

عمدتاً خاص کشورهای که با نظام اقتصاد آزاد اداره می شوند، به ویژه ایالات متحده امریکا است. بسیاری از محققان لیبرالیست، که از معتقدان و مبلغان مکتب کارکرد گرایی می باشند، علت عمده ی حاشیه نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه های شهری و دافعه های روستایی به شمار می آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می آورد. «عدم دسترسی مهاجرین به مشاغل اقتصادی شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آنها موجب می شود که آنها مجبور شوند آلودگیها و زائگیها را که در اغلب موارد، فاقد هرگونه تسهیلات شهری، از قبیل آب و برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند.»

برخی دیگر از کارکرد گرایان به عوامل دیگری، غیر از افزایش جمعیت تأکید نموده اند، به عنوان مثال هوم هویت (Home Hoyt) عوامل فیزیکی، مانند زمین های رها شده و اراضی نامناسب شهری، و آبرامز (Abrams)، بالابودن قیمت زمین و مسکن و برخی دیگر، عوامل اقلیمی را زمینه ساز هجوم مهاجران به مناطق خاصی از شهرها و ایجاد حاشیه نشینی و زائگی نشینی می دانند.

ب) دیدگاه ساختارگرایان و رادیکالیست ها

رادیکالیست ها، که عمده تاً از دیدگاه اقتصاد سیاسی به مسائل می نگرند، اگر چه در قبول این اصل، که حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نتیجه ی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ می باشد، با کارکردگراها هم عقیده هستند، لیکن برخلاف کارکردگراها، این مهاجرت ها را ناشی از خصوصیات کارکردی شهرها نمی دانند، بلکه ساختار اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه را، که ناشی از ادغام کشورهای مزبور در نظام اقتصادی و تجارت جهانی است، در این امر دخیل می دانند. تحلیل گران اقتصاد سیاسی معتقدند: «هنگامی که مناطق دارای اقتصاد معیشتی به جرگه ی بازار وارد می شوند... تولیدات بومی... جای خود را غالباً به یکی دو محصول عمده خواهند داد و... جمعیت زیادی به علت دگرگونی ساخت های تولیدی، به صورت نیروی کار آزاد شده درآمد، موج های عظیم مهاجرتی را موجب می شوند.»

یکی دیگر از عواملی که به عقیده ی رادیکالیست ها، زمینه ی حاشیه نشینی را فراهم می آورد، اقتباس کشورهای در حال توسعه از الگوهای توسعه ی کشورهای سرمایه داری صنعتی می باشد. این تحلیل گران معتقدند چنین الگوهایی به دلیل آنکه صنعت محور هستند، ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در هم می ریزد. یکی از نتایج منطقی چنین الگوهایی (مانند: الگوی توسعه ی خطی روستو و راهبرد قطبی رشد)، که توسط مکتب نوسازی (Modernization) تبلیغ و ترویج می شود، افزایش جمعیت شهری و

ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی، آن هم در شرایطی است که به دلیل برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی، بخش کشاورزی تحت‌الشعاع صنعت مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌نماید.

دیدگاه نوسازی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است، یکی از عوامل مهم برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی و رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. به موجب این دیدگاه «پیوندی تنگاتنگ بین شهری شدن و توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که توسعه یافتگی را مترادف با شهری شدن در نظر می‌گیرند.»

به طور کلی می‌توان گفت تحلیل گران اقتصاد سیاسی، با اعلام این شعار که: ساختار درونی کشورهای جهان سوم بخشی از نظام جهانی تولید و مصرف است، سعی می‌کنند نقش عوامل ساختاری در مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی و زاغه نشینی را تبیین نمایند. (احمدیان ۱۳۸۳)

درمورد خاص ایران باید عوامل مهاجرت از روستا به شهر را باید در سه سطح بررسی کرد:

۱) در سطح فراملی: برون‌زا بودن اقتصاد و وابستگی به نظام اقتصاد جهانی؛ هر چند با تحولات بعد از انقلاب، تلاش‌های موفقیت‌آمیزی در جهت کاهش این وابستگی به عمل آمده است.

۲) در سطح ملی: عدم توجه کافی به نقاط روستایی و بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور. در این مورد باید اشاره کنیم که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی اقدامات اساسی زیادی در جهت خدمات رسانی به نقاط روستایی صورت گرفت، ولی به دلیل همراه نبودن این اقدامات با گسترش زمینه‌های اشتغال در نقاط روستایی و همزمان با آن، افزایش جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرهای بزرگ، روند مهاجرت روستاییان کماکان ادامه پیدا کرد.

۳) در سطح محلی: با توجه به تأخیری که در موج شهرنشینی ایران نسبت به کشورهای غربی صورت گرفته است، مدیریت‌های شهری، تجربیات و ابزار علمی کافی برای مقابله با مشکلات شهری و از جمله حاشیه نشینی را نداشته‌اند. اگر چه اقدامات موثری در سال‌های بعد از انقلاب، جهت تقویت مدیریت‌ها و سازمان‌های شهری به عمل آمده است. لیکن به دلیل کافی نبودن این اقدامات از سویی و انتقال دائمی مشکلات روستایی به شهرهای بزرگ از سوی دیگر، مدیریت‌های شهری موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. شوماخر در ارتباط با انتقال مشکلات روستاها به نقاط شهری اظهار می‌دارد: بیکاری روستایی موجب مهاجرت‌های توده‌وار به شهرها می‌گردد... [و در حقیقت] بیکاری روستایی به بیکاری شهری مبدل می‌شود. (احمدیان، ۱۳۸۳)

۴- بررسی قوانین مرتبط با حاشیه نشینی و عملکرد در باره آن

ماده ۱۰۰ قانون شهر داری مقرر داشته است «شهر داری می تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه بوسیله مامورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع شده باشد جلوگیری نماید» حال اگر شهر داری ها در اعمال مقررات این ماده تعلل یا مسامحه نمایند و در خشت اول جلوی ساخت و ساز غیر مجاز را نگیرند به طبع در مناطقی که مستعد برای شکل گیری حاشیه نشینی است هر صبح شاهد روییدن ساختمانهای غیر رسمی در آن مناطق خواهیم بود که به مرور زمان تبدیل به یک منطقه حاشیه نشینی می شوند.

نقش هیاتهای حل اختلاف ثبتی نیز نباید مورد اغماض قرار گیرد. علیرغم اینکه قانونگذار در مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت برای شرایط خاص و ویژه ای امکان ارائه سند رسمی مالکیت پیش بینی کرده است متأسفانه در عمل بسیاری از موارد این مقررات رعایت نشده و به صرف گزارش های کارشناس یا خبره ثبتی مبنی بر اینکه در محل اعیانی که سابقاً احداث شده وجود دارد و ارائه سندهای عادی (قولنامه) به صدور سند رسمی مالکیت مبادرت می نمایند و توجهی به منشا مالکیت فرد و اینکه آیا به نحو صحیح به ایشان منتقل شده یا خیر؟ آیا اصول شهر سازی در ساخت و ساز محل رعایت شده یا نه؟ ندارد. وجود سند رسمی در دست ساکنین محلهای غیر رسمی حقی برای آنها ایجاد می نماید که بر خورد با چنین پدیده‌ای را مشکل می نماید.

طبق ماده ۸ قانون منع واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی برای امر مسکن ... مصوب ۱۳۸۱ کلیه سازمانها، موسسات و شرکتهای تامین کننده خدمات آب و برق و گاز و تلفن و نظایر آنها خطوط و انشعاب ساختمانها را بر حسب مراحل مختلف عملیات ساختمانی فقط در قبال ارائه پروانه ساختمانی، گواهی عدم خلاف یا گواهی پایان کار معتبر واگذار نمایند و واگذاری امتیاز یاد شده به واحدهای مسکونی و صنفی و

هرگونه بنایی غیر مجاز احداث می‌شود ممنوع است.

کمیسیونهای ماده ۱۰۰ قانون شهرداری نیز در رواج حاشیه نشینی موثر می‌باشد با عنایت به اینکه جریمه های مورد حکم در کمیسیونهای ماده ۱۰۰ یکی از منابع تامین در آمد شهر داری می‌باشد در بیشتر مواقع شهرداری ها تمایلی به صدور احکام تخریب و قلع و قمع نداشته و از صدور حکم جریمه در این کمیونها استقبال می‌نمایند و در عمل نیز هر چند نماینده شهرداری که در کمیسیون حضور دارد بدون حق رای می‌باشد ولی ابتکار عمل دست ایشان بوده و بنا به جهت و توجیهاات موجه و غیر موجه نظر اعضای کمیسیون را به سوی صدور احکام جریمه بجای قلع و قمع سوق می‌دهد.

علاوه از آن بلااجرا ماندن احکام نادر تخریب که از سوی کمیونها یاد شده صادر می‌شود نیز مزید بر علت می‌باشد. چه بسیار است احکام تخریب و قلع و قمع که مدت‌های مدیدی از صدور آن سپری شده و تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است و مرجعی هم علت عدم اجرای آن را پی‌گیری نکرده است. و ناراحت کننده تر و تأثرانگیزتر از همه آنها توافقاتی است که برخی شهر داری ها با محکومین به تخریب و قلع و قمع بعمل می‌آورد و علیرغم صدور حکم به تخریب و قلع و قمع برای اخذ جریمه با مالک موافقت می‌نماید. که نمونه های عملی زیادی قابل ارائه می‌باشد که همگی آنها دست به دست هم داده و روند حاشیه نشینی را تسریع می‌بخشند. البته اقدامات این نهادها و سازمانها در پاره ای موارد قابل تعقیب کیفری و اداری می‌باشد.

طبقه بندی و تشخیص زاغه ها

زاغه ها براساس شاخص جمعیت در سه طبقه: "الف) زاغه های همگن ب) زاغه های نا همگن ج)

زاغه‌نشینان مجرد" جای می‌گیرند و به لحاظ نوع واحد مسکونی در موارد زیر دیده می‌شوند:

۱) آلونک: خانه هایی که در شهرها و اطراف شهرها از سر هم بندی مصالحی مثل نایلون حلبی و برزنت

و چوب و سنگ و گل ساخته شده که ارتفاع کمی دارد.

۲) کپر: مسکنی که با حصیر و گاهی از خشت و در برخی نواحی از نی ساخته شده که روی آن را با نمد می

پوشانند.

۳) چادر: منظور از چادر آن دسته از واحدهای مسکونی است که از پارچه پشمی و نخی و مویی و نایلون و برزنت

ساخته و با تیرک های چوبی فلزی و طناب برپا می‌شود

۴) گرگین: مسکنی که دیوارهای آن با مصالح ساختمانی و سقف آن از حصیر است.

مشکلات حاشیه نشینان

- فقر اقتصادی اجتماعی و فرهنگی
- فقدان حداقل امکانات بهداشتی
- تحقیر اجتماعی به عنوان اعضاء بی طبقه جامعه
- عدم دسترسی و یا بی رغبتی نسبت به آموزش و پرورش و سواد آموزی
- بی بهره ماندن از خدمات شهری (شامل خدمات شهرداری-مرکز تفریحی آموزشی آب و برق و ...)
- اضطراب دائمی به علت استفاده غیر قانونی و غیر مجاز از زمین و یا آب و برق اطراف

...

پیامدهای حاشیه نشینی

مناطق زاغه نشین زمینه مناسبی برای جذب و پرورش بزهکاران و افزایش نا هنجاری ها و آسیب های اجتماعی از قبیل دزدی و جنایت و قا چاق مواد مخدر و روسپی گری و... ایجاد می کند. البته قابل ذکر است که همه ی ساکنان این مناطق این گونه نیستند بلکه فقط نسبت خشونت و خلاف در این مناطق بیشتر است.

۱- سیمای نامطلوب :

عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می آزارد ، ساختمانها تخریب شده و فرسوده شده نشان می دهد. گذرگاه ها و معابر پرپیچ و خم و کم عرض بوده و معمولا راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش نشانی، اورژانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و

خطرات وجود ندارد .

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی :

حاشیه نشین ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است . انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است .

۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی :

اکثر خانواده های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست فروشی ، کاپن فروشی ، تکدی گری ، زباله دزدی ، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می آورند . بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل می باشند .

۴- وجود خرده فرهنگ های خاص مناطق کوچک :

در مناطق حاشیه نشین خرده فرهنگهای خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می شود . و اجتماعیاتی **communities** در دل جامعه **society** رخ عیان می کند. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگ های شهری می شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی را در آنها برای اجرای برنامه های مختلف اجتماعی ، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می کند . خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد، به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل می شود.

۵- تراکم جمعیت :

ترکیب سنی جمعیت در این مناطق نشان می دهد که علی رغم جوان بودن بیشتر رؤسای خانواده ها بعد خانواده وسیع است. متوسط تعداد جمعیت هر خانوار حدود ۴/۵ می باشد که با در نظر گرفتن مساحت کم منازل موجود در مناطق حاشیه نشینی به تراکم بیش از حد جمعیت در این مناطق پی خواهیم برد .

۶- فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات :

در حاشیه شهرهای ایران، آموزش و پرورش به بدوی‌ترین شکل ممکن رواج دارد، به این معنا که عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش و پرورش این نقاط جدای از آنکه باعث کم سواد شدن حاشیه نشینان شده است، موجب گردیده که تا فرآیند جامعه پذیری **socialization**، در میان کودکان و نوجوانان حاشیه‌نشین فرآیندی ناقص و عقیم باشد نقصانی که در رشد بالای انحرافات اجتماعی نمود می‌یابد. به صورت خلاصه به لحاظ پایین بودن سطح آگاهی و مشکلات معیشتی و فقدان امکانات آموزشی و غیره نرخ باسوادی بسیار پایین است. حدود ۲/۵ در صد افراد این مناطق میزان تحصیلات خود را در سطح دیپلم و فوق دیپلم بیان کرده‌اند. و افت تحصیلی و آموزشی شدیدی در این مناطق دیده می‌شود. نمونه فقدان امکانات آموزشی طرح تعطیلی بعضی مدارس حاشیه تهران و یک روز در میان تشکیل شدن کلاس‌ها برای دانش‌آموزان بود که در رسانه‌ها مطرح شد.

۷- اعتیاد :

از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد معمولاً در مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.

۸ - منبع و مرکز انحرافات و کجرویهای اجتماعی :

مارشال کلینارد می‌گوید : حاشیه نشینی مساله و عارضه ای شهری است و منشاء عمده بزهکاری و جرم می‌باشد.

آسیب‌های اجتماعی، سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاصی یافته است، به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت اجتماعی **social cognation** حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه اجتماعی، **social class** یک نوع انحرافات نهادینه شده در کنش آنها به چشم می‌خورد، قاچاق مواد مخدر و جنایات‌های مبتنی بر هیچ انگاری ارزش‌های اجتماعی از موارد قابل ذکر هستند.

فقر و ناتوانی یا عدم تمایل بازار رسمی اقتصاد شهر، به جذب حاشیه نشینان، آنان را به بازار فعالیتهای غیر رسمی می‌کشاند. بازاری که بخشی از محصولات آن در زمره امور ممنوع و بزهکارانه مثل مواد مخدر، دزدی، فحشاء هستند. کمبود یا فقدان مراکز تامین خدمات امنیتی و انضباطی مانند پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها در این مناطق آنها را بدل به مراکز امن و خالی از نظر برای افراد و گروههایی کرده است که به شیوه‌های بزهکارانه ارتزاق می‌نمایند.

۹- آشوب‌های اجتماعی:

حاشیه نشینی جایگاهی در امنیت ملی نیز دارد بخصوص در جهانی که قسمت اعظم سرکردگان آن حامی ما نیستند و ما برای آنها وصله ناجور محسوب می‌شویم. افراد سنین جوان با توجه به احساس محرومیت نسبی و عدم توانایی ارضای نیازهای خود به صورت بالقوه به ناراضی‌هایی تبدیل می‌شوند که ممکن است با وقوع هر حادثه‌ای یا با سازماندهی شدن به وسیله ارادل و اوباش و یا در قالب موب‌ها به برهم زدن امنیت عمومی و اخلال دست بزنند. نمونه شورش ۱۳۷۰ مشهد که از مناطق حاشیه نشین آن رقم خورده بود از این گونه است. این مسئله محدود به ایران نیست و حتی شورش‌های فرانسه در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ نیز به نوعی متأثر از این مسئله بود. به ویژه وقتی موب‌ها از یک قومیت خاص یا یک مذهب خاص باشند. بعضی از تحلیل‌گران حاضر در فرانسه به صورت نمونه احساس هویت دینی و آپارتاید مذهبی در فرانسه را از عوامل دامن زده شدن به احساس محرومیت نسبی و به تبع آن ناراضی‌تی در فرانسه می‌نامند.

کلیشی سن بوا، سن دو نی، ایولین و سایر محلات شورشی خیلی دور از پاریس قرار ندارند. آن‌ها گتوهای پاریس هستند و جزیی از پاریس بزرگند، آنها جهان سوم، در قلب جهان اول هستند. کلیشی سن

بوا محل شروع شورش یکی از فقیرترین شهرک های حومه پاریس است. ۸۰ در صد ساکنان آن مستاجران ساختمان های بتونی بلندی هستند که ۵۰ سال است تعمیر نشده است. نیمی از جمعیت آن زیر ۲۵ سال سن دارند و بیکاری جمعیت در این جا بیش از ۲۰ برابر سراسر کشور است. ۱۰ درصد رقم بیکاری در کل فرانسه و بین ۱۸ تا ۲۵ درصد در این محله . ۳۰ محله دیگری که شورش به آن ها سرایت کرده وضع بهتری ندارند. وقتی ارقام بیکاری بر اساس تقسیم بندی اجتماعی و جغرافیایی مقایسه شود، واقعیت تلخ خود را بیشتر به نمایش می گذارد. به نوشته بی بی سی رقم بیکاری کسانی که مدرک دانشگاهی دارند در کل فرانسه ۵ درصد است، اما آن ها که تبار آفریقایی دارند ۲۶.۵ درصد بیکاری دارند. رقم بیکاران در برخی محلات را ۵۰ درصد ذکر کرده اند که تمرکز فوق العاده بیکاران در یک محل را نشان می دهد. این وضعیت رغبت بسیاری از دانش آموزان را برای ادامه تحصیل از بین می برد و رقم بالایی از شاگردان بدون این که مدرک پایان تحصیل بگیرند مدرسه را ترک می کنند.

بعلاوه بسیاری از کسانی که جزو بیکاران به شمار نمی آیند، کاری که برای بدست آوردن روزی انجام میدهند با حداقل انتظارات برحقشان متناسب نیست. یک سازمان ضد نژاد پرستی گزارش داده است که بعضی شرکت ها تنها کسانی را برای بازار یابی استخدام می کنند که تا چند نسل فرانسوی الاصل باشند و علت را ضرورت آشنایی به فرهنگ فرانسوی ذکر می کنند. این در حالی است که طبق قانون تبعیض نژادی ممنوع است. البته در عمل می توان تبعیض نژادی را اعمال کرد بدون این که قانون را مخدوش نمود.

فقر و نژاد پرستی در گتوهای اروپا در هم آمیخته اند. علت عدم ادغام اروپایی مهاجر تبار، سیاست های نولیبرالی و فقر زاست. آن ها خارجی میمانند، حتی بعد از چند نسل، چون فقیر میشوند. به عبارت روشن تر چون سیاست های فقر زای نولیبرالی از تبعیض نژادی تغذیه می کند، آن ها را خارجی نگه می دارد. ایجاد شهروندان درجه یک و دو محصول این سیاست هاست و مهاجران بهترین طعمه آن و کثیر ترین جزء فقیران.

یک خبرنگار در گزارش خود در مورد شورش پاریس نوشته است یکی از جوانان ساکن یک محله شورشی به

او گفت شعار های ما شعارهای انقلاب کبیر فرانسه است آزادی، برابری و برادری...

۱۰- پیامدهای اجتماعی:

هویت قومی، پایبندی به سنت ها، فقدان تخصص، بی سوادی و کم سوادی، درآمد پایین و به خصوص فرهنگ مستقل حاشیه نشینی، منشا و محل تجمع کودکان فراری، کودکان خیابانی و کارتن خوابها، گروه گرایی و قوم گرایی شدید و همکاری با هم در فرا از قانون و عدم همکاری با مامورین انتظامی و مامورین دولت

۱۱- پیامدهای فرهنگی:

فرهنگ قانون گریزی، ضعف در تعلق به هویت شهری، واگرایی شدید نسبت به قوانین شهری، انزواطلبی، احساس غریبه بودن و بیگانگی، اختلال در هویت (این پدیده را برای اولین بار در جهان غرب روبروت اسی. پارک آمریکایی از سردمداران جامعه شناسی شیکاگو، شاگرد جرج زیمل و نیز ایورت استونگویست، شاگرد پارک تحت عنوان مهاجرت انسانی و منازل حاشیه نشین مورد مطالعه قرار دادند. از نظر آنها، انسان حاشیه نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می یابد. بنظر آنها او آشنای بیگانه ای است که نسبت به دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام کاملاً متعلق و متمایل نمی داند. (مثنوی، عطاءالله)

۱۲- مسکن غیر قابل اطمینان در قبال حوادث طبیعی:

بسیاری از افراد در این مناطق، خانه سازی بر اساس اصول استاندارد ندارند و لذا اکثر این خانه ها در قبال حوادث طبیعی مانند زلزله و توفان هیچ مصونیتی ایجاد نمی کنند. شهرک های این مناطق با مواد و مصالح کم دوام و برخی جاها زاغه نشینی است. همچنین ساخت وساز در ابعاد کوچک و غیراستاندارد.

۱۳- پیامدهای روانشناختی:

پیشانی، بی هویتی (نداشتن هویت می تواند به نوعی افراد را نسبت به پیرامون خود بی توجه کند و برای کسب آن و دست یابی به یک پایگاه اجتماعی که از طریق آن خود را به اجتماع شهر نشینی نزدیک کند دست به هر کاری که آنان را از نظر مالی تامین کند، می زندند.) (غلامرضا شهریاری)

۱۴- پیامدها برای مدیریت شهری:

درجه بالای ریسک بی ثباتی محیط کسب و کار برای مدیران، تحمیل هزینه های پیش بینی نشده و سنگین بر مدیریت شهری، تحمیل تغییرات ناخواسته در برنامه ریزی های کلان

۱۵- توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار

۱۶- بلااستفاده ماندن بخشی از سرمایه گذاری های ناشی از ساخت و ساز به دلیل عدم

وجود امکانات و تاسیسات زیربنایی

۱۷- افزایش روند جذب در حاشیه های شهری علیرغم وجود معضلات انباشته قبلی (مهدی

دهقان)

۱۸- ضرورت ترجیح نظام توزیع متعادل بر رونق اقتصادی

۲۰- انجام رشد اقتصادی به موازات توزیع غیر متمرکز آن (سید سعید زاهد)

نمونه های از پژوهشهای انجام شده برای درک بهتر از وضعیت حاشیه نشینی در کشور

پژوهشی توسط آقای احمدیان و رضوانی با عنوان «بررسی تجارب بازسازی مناطقراغه نشین شهر تهران»

انجام شده است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی عملکرد شهرداری تهران و سایر نهادهای ذیربط در

ارتباط با بازسازی مناطق زاغه نشین شهر تهران در جهتارائه پیشنهادهایی جهت بهبود برنامه‌های در دست اجرای بازسازی این مناطق می باشد. ونتایج پژوهش به ترتیب عبارتند از :

واقع شدن بیشترین آلودگی های تهران در منطقه ۱۶ شهرداری؛

قرارگرفتن آلودگیها در حریم مسیلهها، دکلهای فشار قوی برق وزمینهای متروک و بایر؛

وجود دو نوع آلودگی: منفرد و مجتمع در تهران؛

وجود آلودگی های موقتی که محل اسکان کارگران ساختمانی است (احمدیان و رضوانی ۱۳۷۲)

علل مهاجرت‌های داخلی در تهران و حاشیه‌نشینی در تهران، عنوان تحقیق‌دیگری است که آقایان هدایتی و منصوری در سال ۱۳۵۷ انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی مسیر مهاجرت‌های داخلی در ایران، شهر تهران و حاشیه نشینی در دنیا و تهران و سهم منطقه حاشیه‌ای تهران می پردازد. هدف از این تحقیق، مشخص کردن بعضی از ویژگی‌های حاشیه نشینان است. پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه منابع موجود و استفاده از آمار و ارقام و نقشه‌های موجود انجام شده است. و در پایان نتیجه می گیرند که ساکنین محله‌های حاشیه‌نشین عمدتاً از طبقات فقیر شهری تشکیل شده‌اند، درگیر مسائل مادیزندگی هستند و از بسیاری مواهب شهری و اقتصادی بی‌بهره‌اند. در سطح واحدهای حاشیه‌نشین و همچنین درون هر واحد به علت مدت اقامت حاشیه‌نشین در شهر، نحوه معاش و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوتها و تعارضاتی دیده می شود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم و وابستگی به سیستمی نامتجانس، تفاوتها و تعارضاتی دیده میشود. گروهی از افراد این محله‌ها جذب مکانیزم اقتصادی منطقه شهری شده‌اند و گروهی نیز در حاشیه این گونه مکانیزمها قرار گرفته‌اند (هدایتی و منصوری، ۱۳۵۷).

آقایعلیرضا دهقان نیز پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلودگی نشینان» در سال

۱۳۶۸ انجام داده است. این پژوهش به بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی آلودگی نشینان منطقه ۱۰

شهرداری تهران می پردازد. اهداف پژوهش عبارتند از: بررسی مبدأ و منشاء آلودگی نشینان محله مورد بحث،

علل آلونک نشینی، اشتغال و درآمد آلونک نشینان، بررسی علل فقدان انگیزه پیشرفت و وضعیت انحرافات و کجروی، قدر و منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به موضوع تخریب سازمانهای دولتی، نگرش نسبت به ارگانهای انتظامی و خدماتی، میزان رضایت از آلونک نشینی و وضعیت هجوم و توالی آن. روش بررسی پیمایش و جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه همراه با پرسشنامه از ۱۰۵ خانوار ساکن در محله آلونکیخیابان زنجان جنوبی منطقه ۱۰ شهرداری بوده است. بر اساس نتایج آلونک نشینان منشأ روستایی دارند و از منزلت اجتماعی کمی برخوردارند. آنها از آلونکها نسبت به زندگی روستایی احساس رضایت بیشتری دارند، از انگیزه پیشرفت محدودی برخوردار هستند و تقدیرگرا هستند و بین آلونک نشینی با میزان درآمد، شغل، کجروی، سواد و انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد (دهقان، ۱۳۶۸).

بررسی حاشیه نشین شهری، عنوان تحقیق است که در سال ۱۳۵۱ توسط علی حاج یوسفی به انجام رسیده است. هدف این پژوهش دستیافتن به راه حلهایی در زمینه آلونک نشینی در کل کشور است. روش تحقیق مطالعه اسنادی و مصاحبه های پراکنده با حاشیه نشینان است. یافته ها نشان می دهد گروههای حاشیه نشینان بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده اند و بیشتر کودکان بیمار و به سوء تغذیه مبتلا هستند. فقر فزاینده و عدم امکانات آموزشی، سطح پایین سواد را به دنبال دارد. میانگین درآمد خانوارهای حاشیه نشین حدود ده برابر پایین تر از میزان متوسط درآمد مورد نیاز برای تأمین «حداقل رفاه» است. دزدی، خرید و فروش مواد قمار - روسپی گری، جیب بری، قاچاقچیکاری و حرفه های ساده ساختمانی، صنعتی و کارگری فعالیتهای ساکنین هستند. بی قانونی عمومی نیز در این جوامع دیده می شود. (حاج یوسفی، ۱۳۵۱).

آقای غلامرضا لطیفینیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی - اقتصادی حاشیه نشینی در شهر تهران در طی سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۷۲» انجام داده است. هدف این تحقیق عبارت است از: شناخت، فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونی شان است. از فرضیه های این تحقیق رابطه شغل با حاشیه نشینی و رابطه مهاجرت و حاشیه نشینی می باشد. وی نتیجه گیری می کند که حاشیه نشینی معلول شهرنشینی شتابان و

رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است. تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در یکی دو شهر بزرگ کشور و عدم برنامه‌ریزی اجرایی در سطح ملی و متعاقب آن در سطوح منطقه‌ای و شهری و بخشی، باعث سردرگمی افزایش مشکلات شهرنشینی بخصوص در شهرهای بزرگ گردیده است و این در حالی است که این فرایند ادامه دارد. پدیده حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به ویژه در تهران از هم‌نقاط شهری دیگر کشور با اهمیت تر است و دلیل عمده آن تمرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. گسترش جمعیت شهری، افزایش جمعیت، پیامدهای بیشماری نظیر، فقر، مسائل بهداشتی، مسکن نابهنجار، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و ... را به دنبال دارد و این روند بعد از دهه پنجاه به دلیل افزایش درآمدهای نفتی ادامه داشته است. (لطیفی، ۱۳۷۷).

تحقیق‌دیگری با عنوان «بررسی آلونک‌نشینان ساکن در شهرک شوش» در سال ۱۳۷۰ توسط نرگس‌احمدیان صورت گرفته است. موضوع این پژوهش بررسی وضعیت آلونک‌نشینان شهرک شوش است که در خیابان دولت آباد، پشت مدرسه راهنمایی شهید عراقی مسکن گزیده‌اند. اهداف پژوهش‌شناخت وضعیت اجتماعی - اقتصادی افراد ساکن و شناخت تمایلات افراد ساکن، نسبت به‌مبدأ و مقصد مهاجرت هستند. روش بررسی پیمایشی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌به صورت مصاحبه حضوری با نمونه‌ای مشتمل بر اعضای ۸۵ خانوار بوده است. طبق این پژوهش، اکثر این افراد ساکن در آلونکها در سن جوان قرار دارند. ۷۳ درصد افراد جامعه‌باسواد هستند اکثر افراد نمونه قبل از مهاجرت کارگر بوده‌اند و در حال حاضر نیز به‌کارگری مشغولند، البته درآمد روزانه‌شان در شهر بیشتر است. بیشتر افراد منطقه متأهل هستند و تقریباً ۵ - ۷ فرزند دارند. بیشتر افراد منطقه از آب لوله‌کشی و برق به‌صورت غیرمجاز استفاده می‌کنند و ۱ تا ۲ اتاقک در اختیار دارند. افراد ساکن در منطقه‌اکثراً به علل اختلافات قومی، نداشتن مسکن مستقل مجبور به مهاجرت شده‌اند و در حال حاضر مشکل نهایی و اساسی خود را عدم بهداشت منطقه و کمبود مالی می‌دانند و همگی در صورت توزیع امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و پزشکی و ... در روستاها و شهرستان حاضر به بازگشت هستند. (احمدیان، ۱۳۷۰).

رابطه مسائل اجتماعی و سبک معماری شهرتهران، عنوان پژوهشی است که توسط محمد صفایی پور انجام شده است. این تحقیق به بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران با توجه به رابطه آنها با سبک معماری و عوامل وجودی محلات فقیرنشین (مثلاً کوی نهم آبان) با استفاده از روش کتابخانه‌ای، پیمایشی و جمع آوری اطلاعات از کتب و اسناد و مدارک و مصاحبه با افراد صلاحیت دار، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز شدید سیاسی و اداری تهران، رشد سریع و غیرطبیعی این شهر رادر طی چهار سال اخیر موجب گردیده است و در حال حاضر از نظر فرم منازل و تأسیسات شهری و ساختمانهای دولتی آشفتگی و هرج و مرج شدید در این شهر به چشم می‌خورد. در تهران پارک‌هایی وجود دارد که با مناطق مسکونی فاصله زیادی دارد. تحمیل زندگی پارتمانی به مردم از اشتباهات دیگری است که در این شهر وجود دارد. کوی‌ها و محلات جدید که برای حل مشکل مسکن به وجود آمده‌اند، مورد استقبال چندانی قرار نگرفته‌اند. مهاجرت در این شهر روندی صعودی داشته که نتایج مثبت و منفی را به دنبال دارد. اجرای طرح کوی نهم آبان که برای حاشیه‌نشینان ساخته شده، به دلیل عدم برنامه ریزی و انتخاب مکان مناسب، تغییرات شغلی و درآمدی و ترک محل ساکنین آن، کمبود تأسیسات بهداشتی، پزشکی، خدماتی و آموزشی و یکنواختی واحدهای مسکونی، با عدم موفقیت روبرو گشت (صفایی پور، ۱۳۵۲).

پژوهشی نیز با عنوان «حاشیه‌نشینی در شهرها و آثار و پیامدهای آن» توسط آقایان کمال اطهاری و بهزاد خالقیان صورت گرفته است، که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه ریزی شهری در کشور دارای نواقص و کاستی‌هایی است که عدم توجه به آن، رشد و تکوین ساخت و سازهای بدون برنامه را در خارج محدوده شهرها در پی داشته است و تازمانی که طرح‌های شهری اعم از طرح جامع، طرح‌های هادی، آماده سازی و یا شهر جدید نتواند کلیه اقشار اجتماعی جامعه شهری را پوشش دهد، این اقضار بطور طبیعی و در فرایندی کم و بیش خود به خودی، برنامه ریزی سکونتی مطابق با توان خود را در پشت‌دیوارهای قانونی شهرها پی ریزی خواهند نمود و این آغاز حاشیه‌نشینی است. (اطهاری و خالقیان، ۱۳۷۴)

پایان نامه‌ای تحت عنوان «بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر

گرایش به رفتار ضد اجتماعی» در سال ۱۳۷۷ توسط حمیدصدیقی به راهنمایی محمدصادق مهدوی انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی و مشکلات آن در پیدایش و شیوع گرایش به رفتار ضد اجتماعی در میان ساکنان این مناطق می باشد. در این مطالعه، ارائه تعریفی از حاشیه‌نشینی در شهر تهران و خصوصیات و ویژگی های آن و همچنین مشکلاتی که این شکل از زندگی برای ساکنان چنین مناطقی به همراه آورده است اولین موضوع مورد بررسی این تحقیق را تشکیل می دهد. بررسی پیامدهای اجتماعی و روانی، خصوصاً گرایش به رفتار ضد اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین و میزان تأثیری که مشکلات این نوع از زندگی در بروز چنین گرایشی دارد، هدف دیگری است که در این تحقیق دنبال می شود. وی در این تحقیق معتقد است که افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و فقدان زیرساختهای مناسب اقتصادی در کشورهای جهان سوم، منطبق‌فقر نشینی را در داخل و اطراف شهرها به وجود آورده است که جمعیت قابل توجهی در آنها ساکن هستند و در طول زمان نیز بر تعداد آنها افزوده می شود. مشکلات و محرومیت‌هایی که در این مناطق وجود دارد عده کثیری را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به تعداد این افراد، پیامدهای آن از وسعت زیادی برخوردار بوده و نظم اجتماعی را در کل جامعه متأثر می سازد. گسترش این پیامدها یکی از دلایل ضرورت پیش بینی، ریشه یابی و کنترل آنها می باشد. محدودیتها و کمبودهایی که این مناطق با آنها روبرو هستند بخشی از جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار داده و انسانهایی را متأثر می سازد که عمدتاً به سرنوشت آنها نه تنها مشکلاتی را برای کل جامعه به همراه دارد، بلکه یک موضوع غیر اخلاقی نیز هست. در واقع، اخلاق اسلامی و انسانی مطالعه پیامدها و توجه به سرنوشت انسانها را ضروری می سازد تا از این طریق بتوان مسائل و پیامدها را برطرف کرده و به سمت جامعه‌ای سالم و به دور از تنشها و بی نظمی ها حرکت کرد. در ضمن گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنشها و انحرافات اجتماعی را غیر ممکن می سازد و هرگونه برنامه ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر روبرو می سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی و ریشه های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایشات می تواند به همراه داشته باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. البته بروز چنین گرایش هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگری نیز می

تواند داشته باشد ولی معمولاً انتظار می رود ساکنان مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهای بیقرار گیرند که باعث می گردد آنها آمادگی بیشتری برای احراز چنین رفتارهایی داشته باشند. و در پایان نتیجه می گیرد که بین حاشیه نشینی و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی رابطه وجود دارد (صدیقی، ۱۳۷۷)

چالش های عمده حاشیه نشینی:

از جمله چالش های عمده حاشیه نشینی در کشور می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تحمیل هزینه های پیش بینی نشده و سنگین
- تحمیل تغییرات ناخواسته در برنامه ریزی های کلان
- توسعه آثار منفی زیست محیطی و عقب ماندن از توسعه پایدار
- بلااستفاده ماندن بخشی از سرمایه گذاری های ناشی از ساخت و ساز به دلیل عدم وجود امکانات و تاسیسات زیربنایی
- افزایش روند جذب در حاشیه های شهری علیرغم وجود معضلات انباشته قبلی

چالش حاشیه نشینی و مدیریت شهری

معمولاً شهرنشینی و صنعتی شدن را مترادف متمدن شدن و توسعه می دانند چرا که در مقایسه با جامعه ماقبل صنعتی - سرمایه داری، انسان روستایی و یا قبیله ای پیوسته با فقر و بیماری، بیسوادی، غارت، کشتار و ظلم دست به گریبان بوده است. وضعیت جامعه فعلی بشری از منظر دستاوردهای عظیم آن قابل قیاس با گذشته ماقبل شهری و صنعتی شدن نیست.

اما اداره و ساماندهی جامعه نوین و توسعه فزاینده آن چنان پیچیدگیهایی ایجاد کرده که در اغلب موارد به درماندگیهایی ختم شده اند که امروزه با واژه بحران شناخته می شوند: بحران تروریسم، بحران جنگ ادیان یا تمدن‌ها (ساموئل هانتینگتون)، بحران محیط زیست، بحران ایدز، بحران فقر و بالاخره بحران حاشیه نشینی شهری که این آخری مستقیماً در حوزه مدیریت شهری و توسعه قرار می گیرد.

حاشیه نشینی در حالی طی سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته که بنا بر گفته کارشناسان و آگاهان نه تنها تاکنون هیچ برنامه خاص‌یاز سوی دولت در این باره ارائه نشده است بلکه مسولان و مدیران دولتی همواره باقرار دادن اراضی حاشیه ای شهرها در میان اراضی تحت پوشش شهرداری ها سعی در پاک کردن صورت مساله نیز داشته اند.

(عادلانه و برابر کردن امکانات) حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ کشور دلایل زیادی از جمله تمرکز امکانات در شهرهای بزرگو توزیع ناعادلانه موقعیت های شغلی و ثروت دارد. این معضل از سالهای پیش از انقلابو از زمان اجرای اصلاحات ارضی در حکومت پهلوی آغازشد و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه و در سال های اخیر رشد قابل توجه ای داشت.*** به نظر من حاشیه نشینی که امروزه دامنگیر شهرهای بزرگ میباشد به دلیل جاذبه شهرهای بزرگ میباشد وهمچنین نبود امکانات و ظرفیتهای در روستاهاوشهرهای کوچک است و طبیعتادولت با تدابیری که اتخاذ میکند نقش موثری در افزایش جاذبه روستاها وشهرهای کوچکیفا میکند افزایش امکانات در شهرهای کوچک وروستاها تاامین نیازهای شغلی وهمچنینبهرهگیری از ظرفیتهای محیطی یک منطقه وتمرکز روی آن باتوجه به اینکه شرایطاکولوژیکی هر منطقه با هم فرق داردمیتواند راه حل خوبی باشد ***دکتر سید سعید زاهد، جامعه شناس درباره علت و راه مقابله با پدیده حاشیه نشینی درشهرها و کنترل آن معتقد است: «اگر از رونق اقتصادی کمتر برخوردار باشیم اما از نظامتوزیع متعادل بهره مند شویم، پدیده حاشیه نشینی رو به افول خواهد گذاشت».

مساله اصلی در ایجاد و پیدایش پدیده حاشیه نشینی به گفته آقای زاهد، «توزیع نامتعادل امکانات است و نه میزان تولید آن. به همین سبب برای پیشگیری از به وجود آمدن این پدیده، باید رشد اقتصادی به موازات توزیع غیر متمرکز آن انجام شود

نتیجه گیری

تحولات اقتصادی و اجتماعی در گسترش و ایجاد این پدیده بسیار موثر بوده است. با مروری بر تمامی نظریاتی که به مسئله حاشیه نشینی پرداخته است می توان گفت مهمترین عامل موثر بر وقوع و گسترش این پدیده مشکلات اقتصادی است چه در نظریه های مبتنی بر مهاجرت، به دنبال کسب درآمد بالاتر به حاشیه شهرها پناه می برند و چه در نظریه های مبتنی بر بوم شناسی که جدایی گزینی اجتماعات شهری را به توان اقتصادی هر یک از گروهها در تامین مسکن و زمین نسبت می دهد. عوامل اقتصادی نقش کلیدی را در ظهور و گسترش حاشیه نشینی بازی می کنند لذا به منظور کنترل و در صورت امکان حذف این پدیده باید به ایجاد تعادل فضایی (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی) در سطح مناطق دست یازید و ارائه برنامه های توسعه را متناسب با توانها و امکانات موجود آنها تدوین نمود در صورت تهیه چنین برنامه هایی تعادل فضایی در بین تمامی مناطق برقرار خواهد شد و جمعیت برای بدست آوردن منابع اقتصادی و اجتماعی برتر ناچار به انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر نخواهد بود.

تجربه جهانی نشان داده است اساسی ترین و مهمترین گام داشتن طرح و برنامه ریزی های راهبردی و جامع برای توسعه کشور است.

پیشنهاد

در جهان صنعتی امروز پدیده مهاجرت، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در اطراف شهرهای بزرگ و مناطق محروم شهری امریست اجتناب ناپذیر و از جمله چالشهای مهم فراروی مدیریت شهری است.

راهکارهایی برای مدیریت شهری:

۱. نظارت بیشتر دستگاه قضایی بر فعل و انفعالات درون شهری و برون شهری برای کنترل بی نظمی های اجتماعی و تصرف اراضی
۲. یک راهبرد بلند مدت می تواند ایجاد محدودیت در ادامه روند حاشیه نشینی از طریق جلوگیری از ورود تازه واردان به مادر شهرهای منطقه ای و کلان شهرها، از طریق راه حل های قانونی (مانند: وضع مقررات و قوانین) و یا راه حل های کالبدی (مانند: نوار سبز) و یا راه حل های نظارتی (در ارتباط با زمین های وسیع بلاصاحب و یا حریم رودخانه ها و یا دامنه های ارتفاعات)، مسدود گردد. وقتی محدوده ی شهر مستحکم گردید، کلیه ی حاشیه نشینان و زاغه نشینان داخل محدوده، بخشی از مردم شهر تلقی می شوند و باید مورد حمایت قرار گیرند، لیکن به دلیل مشکلات خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که دارند، این حمایت مستلزم راه کارهای خاصی می باشد که در سطور بعدی به آنها اشاره می کنیم. مسدود کردن راه ورود مهاجران به شهرهای بزرگ، نباید به معنای محروم نمودن آن دسته از کسانی باشد که مهاجرت را به عنوان مفری برای رهایی از فقر اقتصادی و دست یابی به شرایط بهتر زندگی، انتخاب می کنند. لذا همزمان با اقدامات فوق الذکر، می باید اقدامات لازم به منظور ایجاد تحولاتی ساختاری در برنامه های کلان ملی صورت گیرد تا از طریق ایجاد امکانات خدماتی و به خصوص زمینه های اشتغال، در نقاط روستایی و شهرهای کوچک، زمینه های تثبیت جمعیت در کانون های مهاجر فرست فراهم آید. شوماخر (Schumacher) در این ارتباط توصیه می کند: ضروری است بخش مهمی از تلاش های عمرانی به عوض شهرهای بزرگ، به ایجاد یک ساخت «کشاورزی - صنعتی» در نواحی روستایی و شهرهای کوچک اختصاص یابد
۳. توجه ویژه به فقرزدایی و توانمندسازی مناطق حاشیه نشین و گسترش عدالت اجتماعی به این مناطق.
۴. ضرورت ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا تا یک میلیون خانه مسکونی خالی از سکنه بوجود نیاید در حالی که جمعیت کثیری حتی قدرت پرداخت رهن و اجاره خانه را ندارند.
۵. برنامه های توسعه در دراز مدت باید از جمعیت مهاجر از روستاها و شهرهای کوچک بکاهند (البته این مورد فراتر از مدیریت شهری است. و باید در سطح دولت ملی بررسی شود).

۶. در استراتژی های درازمدت قیمت و رانت زمین شهری در کلانشهرهای کشور باید کنترل شود

۷. اجرای طرحهای پیشگیرانه با پشتوانه قضایی در این نواحی.

۸. پرهیز از استفاده از قوه مجریه و تخریب منازل مناطق حاشیه نشینی. برای جابجا کردن ساکنان زاغه‌ها

هزینه‌ی بسیار زیادی باید صرف گردد، که خیلی بیشتر از هزینه‌ی صرف شده برای بهسازی آنهاست. آثار منفی که جابجایی زاغه‌ای برجای می‌گذارد، متلاشی شدن شبکه‌ها و ارتباطات اجتماعی است. این ارتباطات اجتماعی به مردم کمک می‌کند که از عهده‌ی شرایط مشکل و سخت زندگی برآیند و نوعی احساس هویت و تعلق را در میان آنان تقویت می‌کند. مسأله‌ی دیگری که این جابجایی را با مشکل مواجه می‌سازد، تساوی حقوق و عدالت اجتماعی در زمینه‌ی مالکیت اراضی است، که با گذشت زمان به صورت یک مشکل سیاسی بزرگ نمودار می‌گردد. تخریب، پاک‌سازی و جابجا کردن ساکنان اراضی غیرقانونی، بدون در نظر گرفتن مکانی برای اسکان مجدد آنان، برای رفع این معضل شهری، روش مناسبی نیست. تخریب این مناطق شهری، معضل حاشیه نشینی را به جای تخفیف، تشدید می‌کند، زیرا آنان در مکان دیگری در شهر با شرایط بدتر و فقیرتری اسکان می‌گزینند. (هادیزاده، مریم)

طبق نظریه نیازهای مزلو، سرپناه به لحاظ فرهنگی، جزئی از آرمانهای انسان است. برای انسان جهان سومی هم خاندانشان شاید مهم‌ترین امتیاز زندگی باشد و برای مهاجر حاشیه نشین، خانه خراب شدن به تحقیق مهم‌ترین مصیبت است. بطور طبیعی تخریب سرپناه حاشیه نشین، ناآرامی، ناامنی، بی نظمی و اغتشاش رادر پی خواهد داشت. (خراطها، سعید)

۹. نخست باید نهادی نیرومند و درخور برای شناخت همه جانبه آن (بانکی اطلاعاتی، آن هم در کشور ما که ثبت مکان زندگی اجباری نیست و هیچ شهرداری ای چنین اجباری ندارد) به وجود آورد.

۱۰. باید نهاد مشخص متولی مسئله شهر نشینی معلوم شود و نقش همه نهادها در این مسئله به طور عینی

معین شود. به ویژه در مورد حاشیه نشین های خارج حریم شهری

۱۱. بازنگری طرحهای جامع و تفصیلی شهری، به منظور پیش بینی فضاهای مناسب برای تولید مسکن

کوچک، مقاوم و ارزان قیمت برای زوجهای جوان، خانواده های کم درآمد و...

۱۲. توانمندسازی و جلب مشارکت اجتماعی خود حاشیه نشینان : توانمند سازی: «با کمک ناچیز دولت قادرند مسکن، خوراک و پوشاک خود را فراهم آورند و در عین حال نوعی نیروی کار ذخیره‌ی حاضر و بیدرنگ برای فعالیت‌های در حال گسترش بخش رسمی [درون شهرها] را مهیا سازند.» روش توانمند سازی با تکیه بر توان‌های بالقوه‌ی حاشیه‌نشینان مطرح شده است و بر این اصل استوار است که دولت‌ها به عوض کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت حاشیه‌نشینان و کرامت انسانی آنها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌باید از طریق ارتقای سطح آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم و امکان دسترسی به ابزار کار و فعالیت‌هایی از این قبیل، زمینه‌های اشتغال و افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی حاشیه‌نشینان و فقرای شهری را فراهم آورند.

۱۳. اصلاح و بهبود (بهسازی) به معنای بهبود شرایط زندگی از طریق ارائه‌ی خدمات اساسی مانند: آب، برق، گاز، سیستم دفع فاضلاب، مدرسه و همچنین اصلاح معابر، پرکردن گودال‌ها (احمدیان) از آنجا که اصل اساسی در بهسازی مناطق زاغه‌ای، قانونی کردن و نظم دادن به دارایی‌ها و اموالی است که شرایط متزلزل و ناامنی دارند و زمین‌هایی که به طور نامعلوم و نامشخص اشغال شده‌اند، بخش اصلی بهسازی محلات فقیرنشین، انتقال مالکیت زمین به اشغال کنندگان غیرمجاز زمین‌هاست، به قیمتی که آنها قادر به پرداخت و خرید زمین باشند. برنامه‌ریزان مسکن بیشتر به برنامه‌های خودیاری در زمینه‌ی بهسازی مسکن تأکید دارند. از نظر آنها برنامه‌های بهسازی تسهیلات زیربنایی در محلات حاشیه نشین، یکی از اجزای مهم برنامه‌ی جامع مسکن محسوب می‌گردد که باید هم از نظر تئوری و هم عملی کوشش‌های مردم را در توسعه‌ی تدریجی سکونت‌گاه‌هایشان حمایت و تکمیل کند. مهندسان و طراحان شهری به افزایش بهداشت عمومی در مناطق حاشیه نشین اهمیت می‌دهند. این گروه برخلاف برنامه‌ریزان مسکن علاقه‌ای به مشارکت عموم مردم ندارند. روش کاری آنها شامل یک طرح عظیم شهری در راستای روند در حال توسعه‌ی شهر می‌باشد که به طور مطلوب به کار گرفته شده است. سازمان دهندگان جامعه بر سازمان دهی افراد جامعه تأکید زیادی دارند. آنها به این اصل معتقدند که افراد فقیر برای رسیدن به سود مشترک باید با یکدیگر همکاری نمایند. برای آنها مهم نیست که چه چیزی ساخته شود، آنها به چگونه ساختن تأکید دارند. از نظر آنها کمبود خدمات موجود در مناطق حاشیه‌نشین از غفلت عده‌ای از مسؤولان ناشی می‌گردد. سیاست

مداران و دولت مردان اجرای پروژه‌های زیربنایی در مناطق حاشیه‌نشین را، یک راه حل مؤثر جهت کمک به افراد فقیر جامعه می‌دانند. سطح پایین استاندارد و تسهیلات زیربنایی در مناطق حاشیه نشینی شهر سبب به خطراتادن اعتبار و شهرت دولت مردان می‌شود. از دید آنها تکیه بر مردم جهت تداوم برنامه‌های مهم، ضروری است. سرمایه گذاران بین‌المللی بهسازی مناطق فقیر حاشیه را نوعی سود رسانی به افراد می‌دانند که مغایرتی با اهداف توسعه‌ی روستایی ندارد. آنها بر بازیافت سرمایه از سوی افراد ذینفع تأکید زیادی دارند و آن را یک توجیه اقتصادی برای اجرای پروژه می‌دانند. آنها معتقدند اگر افراد ذینفع قادر به بازپرداخت نباشند، باید سطح پایین‌تر تسهیلات زیربنایی را انتظار داشته باشند. ساکنان مناطق حاشیه نشین، این گروه نمی‌خواهند صدمه‌ای از سوی مقامات دولتی متوجه آنها شود. آنها اجرای پروژه‌های زیربنایی را وسیله‌ای مؤثر برای به دست آوردن اندک چیزی از دولت می‌دانند که این برای آنها از هیچ بهتر است.

۱۴. فراهم کردن زمین جهت توسعه‌ی مسکن سازی غیررسمی.

۱۵. حمایت و اعمال مدیریت دولت در ایجاد تسهیلات زیربنایی؛

۱۶. حمایت از پیمانکاران بخش غیررسمی؛

۱۷. حمایت دولت از تولید کنندگان کوچک مصالح ساختمانی؛

۱۸. حمایت از نظام‌های مالی مردمی و غیررسمی؛

۱۹. حمایت دولتی از احداث واحدهای مسکونی اجاره‌ای ارزان؛

۲۰. اصلاح قوانین و مقررات ساختمانی. (هادیزاده بزاز، مریم)

فهرست منابع:

- ۱- سرطان اجتماعی فساد، فرامرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۸۶
- ۲- بعد اجتماعی و نابرابری فضایی، عماد افروغ، انتشارات بقعه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷
- ۳- تاثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم، رضا مسعودی فر، دانشجوی دکترای تشخیص جرم، سمینار شهرها و مردم
- ۴- چالش حاشیه نشینی و مدیریت شهری، تدبیر سال پانزدهم، شماره ۱۵۲، دی ۸۳
- ۵- (حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حل ها، احمدیان، محمد علی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر - اسفند ۱۳۸۲، (از صفحه ۲۷۶ تا ۲۹۶))
- ۶- حاشیه نشینی، مهدی دهقان، مقاله برنامه ریزی شهری درس جغرافیای شهری
- ۷- معرفی کتاب حاشیه نشینی و راه کارهای ساماندهی آن در جهان، هادی زاده بزاز، مریم، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر - اسفند ۱۳۸۲
- ۸- محلات ناهنجار شهر تهران (مورد: محله غربت)، خراطها، سعید، مجموعه مقالات همایش حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی
- ۹- حاشیه نشینی، یک معضل اجتماعی، مثنوی، عطاءالله، مجموعه مقالات همایش حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی